

انگیزه‌های ورزشکاران

میشل بوئه Michel Bouet

اشاره

دومقاله زیر « انگیزه‌های ورزشکاران » و « جامعه‌شناسی ورزش » - چکیده دو کتابی است که نام خود را به عنوان مقالات ما نیز داده‌اند. کتاب «جامعه‌شناسی ورزش» که در سال ۱۹۵۸ از طرف انتشارات گالیمار فرانسه منتشر شده است، ناگزیر از یک دیدگاه غربی به امر ورزش نگریسته است. با وجود این، مسائلی را نیز مطرح می‌کند که می‌تواند برای همه کسانی که پدیده ورزش را در خور مطالعه می‌دانند سودمند باشد.

«انگیزه‌های ورزشی» در سال ۱۹۶۹ از طرف انتشارات دانشگاهی فرانسه نشر یافته است.

مطالب این هر دو کتاب به وسیله خانم شهر آشوب امیرشاهی خلاصه شده است.

فرهنگ و زندگی

پس چنین به نظر می‌رسد که به طور کلی میان علاقه به حرکت و نیاز به صرف نیرو، میان فعالیتی که در حرکت جذب می‌شود و تلاش محرکی که نطفه آن را در خود می‌پروراند، تقابلی وجود دارد.

اما مشاهده می‌شود که بعضی از ورزش‌ها، مانند ماشین‌رانی و قایقرانی، منبع لذتی سرشارند و در انسان لذت در حرکت بودن و مهار کردن آن را نیز به وجود می‌آورند، اما نیروی محرک آنها توسط یک «موتور» خارجی تأمین می‌شود. در مقابل، مثلاً در وزنه‌برداری، نیروی عضلانی شدیدی مصرف می‌شود، بی‌آنکه حرکت بسیاری تولید شود.

اگر فعالیت ورزشی دارای تنها یک عنصر اساسی و انکارناپذیر باشد، این عنصر، حرکت است. عمل ورزشی، به هر حال همیشه عملی است که با حرکت انطباق می‌یابد و در آن جذب می‌شود. حرکتهایی که در اثر ورزش تولید می‌شوند، بیان‌کننده میل انسان به مصرف کردن قوا و تلاش کردن هر چه بیشتر است. حتی وقتی که یک قوه محرک مکانیکی یا یک نیروی طبیعی، به این منظور به کار گرفته می‌شود، این تمایل «نیابتاً» وجود دارد.

از سوی دیگر، لذتی که در ورزش زائیده حرکت است، بدون بذل سخاوتمندانه انرژی به دست نمی‌آید.

پس نیاز به بذل نیرو و نیاز به حرکت را باید جدا از هم بررسی کرد. در عین حال باید پذیرفت که بسیاری از ورزشکاران لذت‌هایی را که به این دو نیاز مربوط می‌شوند، در هم می‌آمیزند.

نیاز به بذل نیرو

تجربه ذهنی - عینی جسمی که «تحقق» می‌یابد، یعنی تا حد ممکن از منابع حیاتی آن «عضلات، قلب، ریه، اعصاب» و تمام امکانات کیفی و کمی آن بهره‌برداری می‌شود، مهمترین جنبه فعالیت ورزشی است.

در نیازی که به بذل نیرو وجود دارد، یگانگی عمیقی میان جسم و روان وجود دارد. اما در عین حال نوعی پیچیدگی انگیزه‌ی در این یگانگی هست.

نیروهای ذخیره شده عضلانی و عصبی، متابولیسم، عامل‌های هورمونی، امکان‌های قلبی و ریوی، در ارگانیسم تنشی ایجاد می‌کنند که باید راه‌گریزی پیدا کند. البته خصوصیات فردی را نیز نباید از نظر دور داشت. نکته دیگر این است که اغلب کسانی که کار جسمی دشواری بر عهده دارند بیشتر هوادار ورزش‌هایی هستند که بذل نیروی بیشتری را با خود به همراه دارد. و دیگر آن‌که این نیاز در جوانان شدیدتر از افراد مسن‌تر است.

اما به نظر می‌رسد که باید عنصر دیگری را نیز به مجموعه خصائص اساسی زندگی «ارگانیک» بیفزاییم. اوتونویمان Otto Neumann از قول برگسون ازیک «دورخیز حیاتی» صحبت می‌کند، و یاسپرس چنین می‌نویسد: «نیروی حیاتی هستی فردی در ورزش که به مثابه آخرین درجه ارضای هستی آنی در انضباط، نرمی و مهارت است، به آزادی می‌رسد. جسمی که به وسیله اراده رهبری شود به نیرو و شهامت امکان ابراز وجود می‌دهد؛ فردی که وجودش به روی طبیعت گشاده باشد، نزدیکی بیشتری با دنیای بدوی پیدا می‌کند.» و یا به قول ژرژ ابر Hebert «نیروی حقیقی، ترکیب سه نیروی جسمی، اخلاقی و مردانگی است.»

پس ناگیریم که به افق ارزش‌های اخلاقی و ماوراء طبیعی انسان نیز که در ارتباط با نیازها و گردش‌های اوست توجه داشته باشیم، و در چنین چشم‌اندازی به تظاهر انکارناپذیر زندگی در برابر مرگ برمی‌خوریم.

پس نیاز به بذل نیرو مفهومی پیدا می‌کند که از چهار چوب جسم فراتر می‌رود. «رایگان» بودن تلاش ورزشی هم آن جنبه از خودگذشتگی را که هسته اصلی مصرف نیروست به خوبی نشان می‌دهد.

احساس ورزشکار، هنگامی که نیرو مصرف می‌کند، این است که با عناصر طبیعی در ارتباط است، در جوش خلق شرکت می‌کند و تپش‌های دل او و جهان هم‌آهنگند.

عملی که زندگی جسمی را چنین حدت می‌بخشد حتماً دارای یک عنصر جنسی نیز هست؛ اما به گفته ژرژ دوران G. Durand «رابطه» میان انرژی جنسی و انرژی ورزشی پیچیده است، زیرا از طرفی مسابقه (به خصوص اگر بایر وزی پایان بگیرد) ممکن است خلق و خوی تناسلی را تشدید کند و از طرف دیگر، ورزشکار مراقب است که تمام قوای خود را برای ورزش حفظ کند و در نتیجه کم یا بیش از فعالیت جنسی می‌گریزد.

ورزشکارانی که تا آخرین حد نیروی خود تلاش می‌کنند، گوئی نمایندگان تمنای نابودی و پیشگوی غریزه مرگ و گرایش‌های خودآزاری هستند.

نیاز به حرکت

درست است که انسان در ورزش دربی مبارزه است، اما پیش از آن و بیش از آن می‌خواهد تفریح کند.

نیاز به حرکت، نمونه کامل چیزی است که پرادین Pradins «گرایش به» نامیده است - یعنی گرایش به انجام این یا آن کار بیش از گرایش به رسیدن به این یا آن هدف است. هرآنچه حرکت و جنبش دارد و یا با حرکت در ارتباط است، دارای جاذبه‌یی شدید است. بدن ما دستگاهی است که برای حرکت

ساخته شده است؛ اعضای بدن ما در طلب حرکتند. امر اساسی، همین است. بوئی تن‌دیک Buytendyk چه خوب می‌گوید: «بدن ما نقش یک موقعیت برانگیزاننده» را بازی می‌کند و «جسمیت» به مثابه «قدرت انجام دادن» زندگی می‌شود. «ما نیازمندیم که جسم خود را به کار بیندازیم و به این منظور آن را به حرکت وامی‌داریم.»

خوب است نگاهی به انگیزه‌های درونی این نیاز بیفکنیم. «حساسیت درونی نسبت به حرکات بدن»، نیاز به زیبایی و به حرکات منظم و همچنین جستجوی عوامل تشویق‌کننده به حرکت مانند توپ، موج دریا، باد، جاده و غیر از این انگیزه‌ها هستند. حرکت انسانی یک جوشش تاب درونی نیست، بلکه عملی است در رابطه با جهان. به همین دلیل باید به انگیزه درونی دیگری که نیاز به بیان کردن به وسیله جسم است، اشاره کنیم. و نیز، به نیاز به فضا و همراه با آن اشتیاق به رهائی و نیاز به سرعت.

ابراز شخصیت

فعالیت ورزشی، دروسایل بیانش جسمی و مادیت. اما نیت آن، بیش از هر فعالیت دیگر، ارجح دادن به «خویشتن» است. در مورد ورزش اولین اندیشه‌ای که به خاطر می‌گذرد تمایل به بردن و قهرمان شدن است.

کردن دیگری (يك مریی یا تماشاگران) و دوم در رابطه با دیگری . عضو يك باشگاه شدن ، خود در حکم راضی کردن نیازی است که شخص به پذیرفته شدن از طرف دیگران دارد .

باید «دارا بودن يك جسم زیبا» را نیز که به «معرفت به خویشتن» می افزاید ، یادآور شویم . در ورزش محیط ابراز شخصیت مشخص ، دقیق و قابل نظارت است در حالی که در زندگی راههای رسیدن به «خویشتن» پیچیده و سردرگمند . در ورزش ، رسیدن به هدف ، پیروزی یا شکست مفهومی فوری و عینی دارد .

کوشش در راه يك هدف یکی از پایه‌های هویت و تداوم ماست و ورزش کمک بزرگی به این تجربه است .

اهمیت گرایش‌های شخصی در ورزش به این دلیل است که فعالیت ورزشی محدود به اعمالی است که هیچ چیز پایداری را به وجود نمی‌آورد ، و تولیدکننده نیست . ورزشکار با پشت‌سر گذاشتن خود ، به خود می‌رسد و تمام تلاشهایش در جهت این تعالی برای یافتن هویت خویش در ارزش به دست آمده «خویشتن» اوست .

تلاش در راه جبران

اولین نوع «جبران» عبارت است از جستجوی فعالیتی که آثارش دیگر فعالیت‌ها یا نحوه

اما در جنبه‌های غیرمسابقه‌ای نیز ، این ابراز شخصیت به چشم می‌خورد : مبارزه با طبیعت ، رویارویی با خطر و ازاین قبیل . راههایی که ورزش به روی تظاهرات گوناگون شخصیت و ارزش شخصی می‌گشاید ، بسیارند . شك نیست که در هر رفتار انسانی «شخصیت» در گرو است و انسان در هر عملی در پی یافتن خویش است . هر خواستی ، تظاهر انسانی است که می‌خواهد و در این خواستن ، می‌خواهد خودش باشد . با این حال باید رفتاری را که به خصوص متوجه پیشبرد «خویشتن» است ، از دیگر رفتارها مشخص کرد . ورزش یکی از آنهاست . در ورزش ، ابراز شخصیت همیشه در رابطه با دیگران (رقیب ، رفیق و مردم) یا موانع طبیعی یا مصنوعی است .

ورزش در وهله اول تمایل «خویشتن» است به احساس «بودن» و بیش ازاین ، کشف خود و آشنائی بیشتر با امکانات خود . در مراحل بعدی ، گرایش به تحقق بخشیدن ، و بیان کردن شخصیت از راه ورزش به چشم می‌خورد و در این مرحله «قدرت عمل‌کردن» تبدیل به «قدرت بودن» می‌شود .

اغلب گفته می‌شود که «ورزش يك وسیله غیرزبانی تفهیم و تفاهم میان انسان هاست» . اگر ورزش ، «مفهوم» و «بیان» نبود و اگر «خویشتن» در آن منعکس نمی‌شد ، این گفته نمی‌توانست درست باشد .

در فعالیت ورزشی به دوگونه ابراز شخصیت بر می‌خوریم . یکی درتنهایی ، بدون تمایل به راضی

زندگی را اصلاح کند و یا کمبودی را که از نحوه زندگی به وجود آمده است جبران کند. در این حال، ورزش پادزهر ناگواریهای تمدنی است که از نشانه‌های بارز آن تقسیم کار، اختصاصی شدن شدید حرفه‌ها، جدائی جسم از فعالیت مغزی، آلودگی شهری و غیره است. بنابراین، در این صورت، ورزش شخصیت را هماهنگ و متعادل می‌کند.

دومین شکل جبران عبارت است از تلاش برای پیروز شدن به کمبودی (واقعی یا تخیلی) از نظر جسمی و غیر آن؛ مثلاً تحصیلات، موقعیت اجتماعی، وضع جنسی و ...

به گفته‌ی باشلار Bachelard و آدلر Adler تمایل به قدرت و جستجوی برتری حاصل احساس حقارت هستند.

اما سومین شکل جبران نه برای کامل کردن است و نه برای پیروز شدن. بلکه برای جانشین کردن است؛ به این معنا که فرد در قلمروی خاصی از فعالیت، از رضایت خاطر و موفقیت محروم است و به این دلیل به قلمروی دیگری رومی‌کند.

برای فهمیدن این نوع جبران باید قبل از هر چیز سرنوشت‌های فردی، نارضائی‌ها و از همه مهمتر محرومیت‌ها و شکست‌های افراد را درک کرد. با وجود این، شرایط کار در جامعه‌ای صنعتی نیز بسیاری از افراد را به سوی ورزش می‌راند. برای این‌گونه افراد یکنواختی کار و نبودن روابط حقیقی با ماده و انسان‌ها، در فعالیت ورزشی جبران

می‌شود.

در هر صورت باید یادآور شویم که در میان این سه شکل جبران رابطه‌ای کاملاً عینی وجود دارد.

ورزش به فرد کمک می‌کند تا به تعادل برسد، به او طعم پیروزی بر خوشتن را می‌چشاند و شادبهای عمیقی را که با تمامی وجودش در آمیخته‌اند به او هدیه می‌کند. شاید بتوان گفت که ورزش با نجات دادن جسم انسان امروزی روحش را نیز رهائی می‌بخشد.

گرایش‌های اجتماعی

سه انگیزه اساسی که تاکنون بررسی شدند، به طور عمده مربوط به توجه شخص به خود هستند. اما با این که ترقی شخصی یکی از نیروهای محرك اصلی فعالیت ورزشی است، نیاز به همبستگی با دیگری و با گروه هم، به طور عمقی، به وسیله ورزش انگیزه می‌شود.

اولین و ساده‌ترین تظاهر این نیاز جستجوی حضور و تماس انسانی است - نفس حضور و تماس. بسیاری از ورزشکاران به باشگاه، میدان، تالار تمرین می‌روند تا فقط آدم‌های دیگری را ببینند، بدون این که این یا آن فرد به‌خصوص مورد نظرشان باشد.

تزدیک شدن به دیگران تنها به صورت

برعهده‌اش گذاشته شده است .

نیاز به رقابت

نیاز به مسابقه دادن ، یعنی نیاز به شرکت داشتن در مبارزهای که در آن هرکس به دنبال گرفتن مقام اول است در هر جامعه رقابتی در زمینه بسیار وجود دارد .

ورزشکارانی هستند که نفس شرکت در مسابقه را دوست دارند و یا تمرین‌های ورزشی را به مسابقه ترجیح می‌دهند . اما وقتی ورزشکاری مسابقه را ، یعنی درگیری ، تلاش بیشتر و نگرانی را دوست دارد ، باید به عنصرهای روانی نیز توجه داشت .

۱ - نیاز به شناخت ارزش خویش و سنجیدن آن با ارزش دیگران ، چنان که گوئی معرفت به خویشتن و به دیگران تنها می‌تواند قیاسی و کمی باشد .

۲ - تمایل به کشاندن پای دیگران در کار و عدم امکان اقدام یکنفری .

۳ - نیاز به داشتن يك هدف .

۴ - تمایل به بازی کردن نقش مخالف .

۵ - گرایش به همکاری .

۶ - علاقه به ناشناخته ، تشش و تحريك

عصبی ، علاقه به خطر کردن و ماجراجویی .

هم‌زیستی (افرادی که هر يك به کار خود مشغولند اما در کنار یکدیگرند) و یا همکاری گروهی تحقق نمی‌یابد ، رابطه با رقیب هم از همین مقوله است . مسابقه ، خود نفس امر همکاری است .

ورزش يك تجربه بدنی دسته‌جمعی است و نزدیکی بدنی یکی از جنبه‌های اصلی آنست . در ورزش بسیاری از اداها و شرم‌های جدائی‌انگیز از میان می‌روند «جسمیت» زندگی شده در ورزش دارای موقعیت مرکزی است و به همین دلیل ، یکی از عوامل تماس میان افراد است .

یکی دیگر از اشکال گرایش به دیگری در ورزش ، جستجوی گروه است . گروه به عنوان يك واحد جمعی . برای ورزشکار ، مسأله وارد شدن به این واحد ، بازی کردن نقشی در آن و شرکت داشتن در زندگی آن است .

سومین شکل نیاز به همبستگی در ورزش ، در ارتباط با مجموعه جهان اجتماعی است که در آن ورزشکاران به دیندار و همکاری با یکدیگر می‌رسند . برای بسیاری از ورزشکاران ، شرکت در جهان ورزشی در حکم اجتماعی شدن و شرکت کردن در يك نظام انسانی است که آنها را از يك زندگی بیش از حد شخصی در میان انبوه مردم تنها بیرون می‌کشد . جامعه ورزشی ، با داوران ، رهبران ، توجه مردم ، برگزیدگان ، پیش‌کسوتان ، جوانان ، کارشناسان و جنبه‌های اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - سیاسی ، کاملاً تقسیم‌بندی شده است و شرکت در آن به مثابه عینیت یافتن اجتماعی است . ورزشکار در گروه نقش معینی دارد و مسئولیتی

میل به پیروزی

برخلاف این گفته مشهور : «شرکت کردن مهم است ، نه بردن» ، به نظر می‌رسد که در مسابقه‌های ورزشی ، همه عوامل دست به هم می‌دهند تا میل به پیروزی را در هر یک از شرکت‌کنندگان به وجود آورند ، گسترش دهند و برانگیزند .

ساختمان مسابقه ، به خودی خود ، برای کسانی که در آن شرکت می‌کنند یک «موقعیت برانگیزاننده» است و در آن میل به پیروزی را ، لزوماً ، تشدید و تقویت می‌کند .

در این نظام بازنده هم (ماننده برنده) قطبی ضروری اما منفی است . در پایان تلاش ، همراه با پدیده‌های تشدیدمقابل‌درگیری‌های رقابتی ، فشاری زمانی نیز با شدتی فزاینده در جهت کسب پیروزی به شرکت‌کنندگان وارد می‌شود .

در این میل ، گرایش‌های گوناگون نسبت به «ایرازشخصیت» ، یاجستجوهای جبرانی ، نیازهایی مانند «نیاز به واکنش» ، «نیاز به تسلط» ، «نیاز به خشونت» ، جستجوی احترام دیگران ، سودجویی و غیره مشاهده می‌شود .

میل به پیروزی آنچنان در ذات مسابقه است که خارج از ورزش نیز در بازرگانی ، شرط‌بندی ، رقابت‌های عشقی نیز نوعی سبک «ورزشی» به چشم می‌خورد .

سه خصلت مشهور در میل به پیروزی عبارتند از : اراده محدود در زمان و فضا ، ارجاع رقابتی

به دیگری ، میل به تملک . به این سه ، باید خصلت چهارمی را نیز که البته کمتر متظاهر می‌شود ، بیفزائیم : تلاش کم یا پیش‌آگاهانه ورزشکار برای چرخاندن بخت به سود خودش . ورزشکاری داند که اغلب سهمی از «بخت آزمائی» در مسابقه وجود دارد و بنابراین با روحیه‌ای شبیه به قمارباز به آن دست می‌زند . بسیاری از ورزشکاران خرافاتی هستند . می‌بینیم که رفتار مسابقه‌ای در ورزش شامل عناصر غیر عقلانی نیز می‌شود .

پیش از مسابقه ، فردی که می‌خواهد برنده شود خود را از نظر جسمی ، فنی ، تاکتیکی و غیره به دقت آماده می‌کند . روحیه‌اش را تقویت می‌کند ، درباره شرایط مسابقه به تحقیق می‌پردازد ، می‌کوشد تمام «برگهای برنده» را با خود داشته باشد . پیش می‌آید که دست به استعمال بعضی داروها به منظور قوی‌تر و مقاوم‌تر شدن بزند . بعضی دعا می‌کنند . . . احوال عاطفی ورزشکار اغلب به تناوب از اضطراب و امید می‌گذرد .

خشونت و مبارزه جوئی

ورزش در میان تمام نقش‌هایش ، نقش «بازی جنگی» را از نظر اجتماعی ایفا می‌کند . تاریخ ورزش به ما نشان می‌دهد که بسیاری از فعالیت‌های ورزشی از جنگ و فنون آن برخاسته‌اند (مثل پرتاب نیزه) . مسابقه از نوع

مسابقه‌های ورزشی ، معادل همین پدیده در سطح انسانی است ؟

به هر حال باید متذکر شویم که آنچه گفته شد الزاماً به این معنا نیست که چهارچوب مسابقه‌های ورزشی نمی‌تواند ، برای کسانی که آمادگی قبلی دارند و یا در بعضی شرائط گرفتار واکنش‌های تهاجمی می‌شوند ، صحنه رفتارهای خشونت‌آمیز باشد .

به عقیده کوراز Corraze «آزمایش بالینی نشان می‌دهد که در ورزش ، رفتارهای خشونت‌آمیز با نیل رسیدن به توانائی مردانه در می‌آمیزد .»
خود ما هم موفق شدیم در مورد ورزشکارانی با گرایش‌های شدید به خشونت مطالعه کنیم . ریشه‌های روانی خشونت بسیارند اما مهم ترین آنها به توافق رسیدن با خویش در درگیری با جهان است . روانشناسی نوین به ما می‌فهماند که خشونت بیش از هر چیز واکنش محرومیت است . سرانجام خشونت ورزم‌آوری تحت تأثیر شرائط محیط انسانی ورزشکار نیز هستند . جمعیت تماشاگری که به نحوی خشن تعصب میهنی یا باشگاهی و غیره خود را ابراز می‌کند مزاحم رقابت سالم است .

عشق به طبیعت

قبل از هرگونه بررسی باید یادآور شویم که عشق به طبیعت هنگامی که انگیزه ورزشی می‌شود

خاص ورزشی بسیار تدریجی شکل گرفته است . و در حال حاضر ، در بارهٔ مبارزه‌های ورزشی ، عقیده اغلب بر این است که برای غرائز خصمانه مفری ایجاد می‌کند . حتی اصطلاحات تفسیرهای ورزشی نیز بازگوکنندهٔ این خصلت هستند .

بعضی از ورزش‌ها مانند مشت‌زنی ، فوتبال آمریکائی ، راگبی و غیره هنوز آثاری از خشونت در خود دارند . البته نباید جنگ و مسابقه را با هم یکی دانست ، اما به هر حال برای پیروز شدن در هر دو شرکت می‌کنند .

ولی برای روشن شدن مطلب توضیح دهیم که ما کلمهٔ خشونت را در جهت تهاجمی آن و برای نشان دادن هرگونه حرکتی برای درهم شکستن مقاومت دیگری به کار نمی‌بریم ، و بنابراین بیشتر از رقابت سخن خواهیم گفت . در میان جانوران ، همان‌طور که گوستار Goustar و کریگ Craig هم تأکید کرده‌اند ، در واقع نوع نظم‌رقابتی مشاهده می‌شود و بی‌نظمی‌های تهاجمی بسیار نادر است ، حال آن که خشونت انسانی ، مانند بازگشت به حالت حیوانی تلقی می‌شود .

حتی در بررسی‌های روانی - حیوانی مشاهده شده است که پدیده‌های آئین‌سازی در رقابت وجود دارد و مبارزه به‌طور طبیعی دارای امر و نهی‌هایی است . آیا نمی‌توان گفت که مبارزه‌های غیرمخرب

— در قایقرانی ، کوه‌نوردی ، اسکی و غیره — به این دلیل که در يك فعالیت ورزشی به کار می‌افتد ، خصلت مشخصی پیدا می‌کند . این عشق به طبیعت ، آمیزه‌ای از عمل و نظارهٔ فعال و تجربه ساکن است ، و با رفتار جهانگردی که طبیعت را فقط به عنوان يك چشم‌انداز گاه جالب ، گاه آسمانی و گاه شگفت‌انگیز تماشا می‌کند ، بسیار متفاوت است . طبیعت برای سیاحت‌گر بیگانه است ، هرگز رفیق یا رقیب او نیست . شاید از بعضی جهات ، يك تلاش روحیه‌ای نزدیک به ورزشکار داشته و علاقه‌مند به طبیعت باشد .

این ورزشکاران ، طبیعت را فعالانه و در هماهنگی با حرکت می‌بینند ، مورد سؤال قرار می‌دهند و می‌شکافند .

نه تنها تلاش ورزشی ، بلکه مشاهده طبیعتی نیز که زمینه این تلاش است ، به حرکت درآورنده است .

«پهنه‌های دیگر ، قله‌های دیگر ، ابرهای دورتر ، عمق دریا‌های تازه و ... را دیدن» این خواستها مانند ندهائی هستند که ورزشکار را به فعالیت‌های تازه می‌خوانند .

علاقه به خطر

«عنصر خطر در نفس بازی وجود دارد .» برگسون می‌گوید : «بالاترین موقعیت‌ها در کنار بزرگترین خطرها قرار دارند» . کسی که در مقابل

خطر عقب بنشیند نمی‌تواند سودای پیشرفت و تکامل در کارش را در سر پیوراند ، و با این که روبرو شدن با خطر برای تأمین موفقیت کافی نیست ، فرار از مقابل آن بدون شك شکست را به دنبال دارد . اصلاً خود این فرار ، در حکم شکست است . چیرگی بر ترس نیز اغلب یکی از دلایل ورزشکار برای روبرو شدن با خطر است .

رقابت‌های ورزشی نیز می‌تواند ورزشکار را به درگیری با خطر تشویق کند . . . به هر حال در اعماق این کشش به سوی خطر نوعی خصومت با خویش ، میل به مجازات کردن خویش ، و همچنین تنبیه کردن دیگران ، وجود دارد .

اوژیلیو Ogilvie و توتکو Tutko می‌گویند : « برای ورزشکارانی که تصویر شخصیشان چندان ثابت نیست ، جای زخم ، نشانی از مردی و مردانگی است .»

بررسی انگیزه ورزشکاران به دریافت بهتر ورزش که يك ساختمان فرهنگی است کمک می‌کند . مفاهیم ورزش «برانگیزاننده» هستند ، زیرا به صورت شخصی انگیخته می‌شوند .

در يك چنین بررسی هرگز نباید از اندیشیدن به گوناگونی موارد خاص فردی غافل شد . اما به هر حال ، همان‌طور که گفتیم ، گرایش‌های گوناگون انگیزه‌های ورزشکاران با هم در ارتباطند . بعضی از آنها یکدیگر را دربر می‌گیرند و بعضی دیگر ریشه‌ای مشترک دارند ؛ از يك چشمه می‌جوشند . بررسی عمیق این انگیزه‌ها در واقع بررسی انگیزه‌های انسانی ، خاصه انسان عصر ماست .